

بحران

سیاست آمریکایی و فقدان تاریخ

کشوری بدون تاریخ، در حالت ریاکاری متولد شد

ارزیابی وضعیت و جایگاه کنونی آمریکا، نشان می‌دهد که ایالات متحده در یک حالت ریاکاری عمیق، متولد شده است؛ اما آنچه در آینده، این کشور را با بحران‌های دشوارتری مواجه می‌کند، بی‌تاریخی آن نیست، بلکه مشکل اخلاقی، نابرابری، بی‌عدالتی و... در این کشور است.

کشور بدون تاریخ یا با تاریخ، چه معنایی دارد و اهمیت این بحث در چیست؟ ابتدا باید تفاوت میان گذشته و تاریخ را دانست؛ تاریخ، گذشته نیست. گذشته، صرفاً توالی یکنواخت لحظات است. گذشته، گذشته و بنابراین، به خودی خود بی‌اهمیت است؛ اما هنگامی که بخشی از گذشته به یاد بیاید و به اهمیت تحولاتی در آن وقوف صورت بگیرد، آن گذشته به تاریخ بدل می‌شود، هرچند که گذشته، به یاد نمی‌آید بلکه به یاد آورده می‌شود و این، نوعی کنش (عمل مستقل) است. این‌طور نیست که وقتی گذشته

به یاد آورده می‌شود، یک انفعال ذهنی از واقعیت بیرونی، صورت گرفته باشد بلکه به یادآوردن، عمل خلاقه‌ای است که طی آن، یک واقعه یا وقایعی استخدام می‌شوند تا خدمتگزار یک تصور یا فرضیه خلاقه واقع شوند. فرض کنید که من، شعری را از برمی‌کنم و سپس، آن را در موقعیت‌های مختلف از حفظ می‌خوانم. در اینجا به قول برگسون، تفاوتی حیاتی میان توانایی من برای از حفظ خواندن شعرو توانایی‌ام برای یادآوری هریک از بخش‌های آن شعر، در موقعیت‌های مختلف وجود دارد (نقل از شوارتس، ۳۴۳۳).

علاوه بر فرد، ممکن است که اجتماع نیز اراده کند که گذشته خود را موضوع آگاهی قرار دهد و دست به کنش بزند. آرنست می‌گوید که کنش به یک «ما»، مربوط است، نه به «من» (۱۳۹۴، ۱۲۴). گذشته جمعی یعنی آن‌که گروه‌هایی از انسان‌ها، اراده می‌کنند تا باهم زندگی کنند؛ اما تاریخ، یعنی آگاهی آن گروه‌ها، به اینکه یک جمع متمایز هستند. هرچه از

گذشته خود خاطرات بیشتری فرا چنگ آوریم، افق درازتری در تعریف خود یا آگاهی به خود، پیش چشم خواهیم داشت. در اینجا است که هویت جمعی (ملی، قومی...)، امکان درک و تعریف می‌یابد. وقتی گذشته جمعی موضوع آگاهی و حساسیت واقع می‌شود، تاریخ آن اجتماع آغاز می‌شود. در «گذشته»، زمان بر ما جاری می‌شود اما در تاریخ، ما بر زمان جاری هستیم. هیدگر می‌گوید: «تاریخ، آن است که با ما و با اراده ما آغاز می‌شود؛ زمان مشروط به اقدام ما بوده و چیز فی‌الذاته‌ای نیست. در واقع، تاریخ انسانی است. نباید پرسید زمان چیست بلکه باید پرسید، زمان کیست؟» (هیدگر، ۷۳). لاجرم، «تاریخ» از اراده آزاد و از آزادی سخن می‌گوید.

از نظر ریمون آرون «تاریخ، به معنای دقیق کلمه، هنگامی وجود دارد که مردم نسبت به گذشته خود و جدایی میان گذشته و حالشان، وجدان داشته باشند و گوناگونی زمان‌های تاریخی را بازشناسند»

(آرون، ۲۳). به تصریح کانت، آزادی آغاز تاریخ است و تاریخ، با آزادی شروع می‌شود (نقل از یاسپرس، ۲۵۸) و البته آزادی نیز با انقلاب (آرنت، ۱۳۶۲، ۳۳۲۷). [همین‌جا می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که ایرانیان تا قبل از انقلاب سال ۵۷، تاریخ نداشتند بلکه گذشته داشتند.] پس تاریخ همچون امر معاصر است، یعنی چیزی که پس از سپری شدن دورانی و گذشت پروسه‌هایی، در زمان حال درک می‌شود و هستی‌اش را وامدار گذشته نیست، بلکه عکس آن درست‌تر است؛ یعنی گذشته در پرتو تصور و برداشتی از آن، موضوعیت و اهمیت می‌یابد و نام این اهمیت، تاریخ است. تاریخ‌مندی یعنی اهمیت آگاهی افراد اجتماع به اینکه حضور اجتماعشان در میان اجتماعات بشری و در جهان، یک حضور تصادفی، کور و بی‌معنا نیست

بلکه محصول اراده آزاد و آگاهی (آگاهی به اینکه چه می‌خواهیم) است. این اراده عمومی و آگاهی نیز بدون نام نیست. هگل از «اجتماع تاریخی» سخن می‌گوید تا این معنا را برساند که یک اجتماع آزاد و دارای فردیت در ادامه تکامل خود، به صورت یک سازمان اندیشه‌گرو دولت درمی‌آید که دولت، تصدی خصال عالی آن اجتماع را در دست می‌گیرد. به عبارت دیگر، اجتماع آزاد و حساس به هستی خود، با آفرینش دولتی ویژه خود و از بطن مناسبات درونی‌اش به اوج تکامل می‌رسد. پس اجتماع سیاسی، اجتماعی است که دولت و سپهر سیاسی‌ای از آن خود دارد. وقتی اجتماع سیاسی با آفرینش دولت یا ساورننه (حاکمیت) به اوج تکامل سیاسی خود می‌رسد، از آن پس، گرچه تحولات درون آن اجتماع ادامه می‌یابد اما معنا و منطق آن اجتماع، دیگر شکل خود را گرفته

و یک فلسفه یا اصل مرکزی همه تحولات گوناگون در آن اجتماع را معنایی واحد و (از این طریق) وحدت می‌بخشد (هگل، ۱۶۳۱۵۲ و ۱۳۰۱۲۰). پس تاریخ‌مند بودن یک کشور یعنی آنکه هستی آن و هستی هر کشور تاریخ‌مندی، فلسفه نهفته‌ای دارد و این فلسفه، محتاج سرزنده شدن سنت جمعی زندگی (همان گذشته) است. ارسطو می‌گوید: مشارکت همه شهروندان در فهمی مشترک از عدالت (از اینکه درستی و نیکی کدام است)، اساس دولت شهر است. در واقع، رهیافت ارسطویی می‌گوید که غایت امور، خیری در بیرون آن‌ها نیست، بلکه خیری است که در نفس همان امور قرار دارد. هر کشوری همچون هر آدمی، برای خود داستانی دارد، یعنی از همان ابتدای زایش، طرحی برای شدن و کمال است، ظرفیتی است که جاری می‌شود یا نمی‌شود؛



امکانی است متعلق به آینده. هر اجتماعی ممکن است که یک فضیلت باشد و تا چنین نباشد، داستان زندگی و روایتگری از صبرورت من نیز آغاز نمی‌گردد. درس ارسطو برای فهم بشری آن است که هر چیز و همه چیز، در پرتو درکی از غایت و کمال آن چیز درک می‌شود. طبق نظراو، هر چیز به دلیل معنای بالقوه یا هدفش وجود دارد که آن هدف، هرچه عینیت بیشتری بیابد، از هستی بیشتری نیز برخوردار شده است. در سنت ارسطویی و بعدها در سنت تومیستی، هر اجتماع قوام یافته یا پروژه‌ای برای تحقق یک هدف جمعی بزرگ تلقی می‌شود؛ اقوام و گروه‌های مشخص انسانی، هر یک فلسفه‌های خاص خود را برای آینده و تکاملشان دارند. هیچ اجتماع سیاسی بدون پروژه‌ای درازمدت و پایدار شکل نگرفته است (جهانبگلو، یک سخنرانی، ۱۳۸۴).

گفتیم گذشته جمعی یک گروه یا ملت، در شرایط ویژه‌ای به تاریخ تبدیل می‌شود اما نگفتیم که چگونه و در چه شرایطی. پل ریکور، چگونگی خلق تاریخ را این گونه پاسخ می‌دهد: چرا ما فرانسوی، چینی، ایتالیایی و ایرانی هستیم؟ «ما» به وسیله روایت شکل می‌گیرد. ریکور بر نقش مهم روایت‌های بنیادگذار، تأکید کرده و می‌گوید: «روایت‌های بنیادگذار در طول تاریخ، به ماندگاری فرهنگ‌های

بزرگ یا ملت‌های بزرگ انجامیده‌اند؛ هر ملت و قومی، ایام بزرگی دارد که ایام بنیادگذاری است. در واقع، واقعه بزرگی رخ می‌دهد و به دلیل اهمیتی که نزد نسل‌ها برای خود جلب می‌کند، به یک داستان یا روایت ماندگار بدل می‌شود. این رابطه میان روایت یا داستان و بنیان‌گذاری، التقاط فوق‌العاده مهمی است؛ زیرا در اینجاست که ساختار خاطره جمعی یا بگویم، هویت جمعی شکل می‌گیرد (ریکور، یک سخنرانی، ۱۳۷۳). بدین طریق، کارکرد اصلی روایت، ساماندهی زمان است. (برای مطالعه بیشتر نک: ریکور، ۱۳۸۳)

اینکه کشوری تاریخ دارد یا نه، از اهمیت کمتری برخوردار بوده و بیشتر مهم است که در آن کشور، در حال حاضر، تاریخی جریان دارد یا نه. در آمریکا، دستکم تا قبل از رونالد ریگان (۱۹۸۱-۱۹۸۹) آشکار شود، زندگی، گرم و پرحرارت ادامه داشت، فضایل آمریکایی معنا داشت و آمریکاییان می‌خواستند، آمریکایی بمانند. آرنت در دهه هفتاد گفته بود که آمریکا، می‌تواند بر بحران‌هایی چیره شود که در اروپا به تغییر حکومت‌ها و حتی به آشوب داخلی بسیار جدی منجر می‌شوند (آرنت، ۱۳۹۴، ۱۱۶)؛ بنابراین تاریخ این کشور، هر چند غیر طولانی، در جریان بود. برخلاف نظر آرنت که گفته بود آمریکا، نیازمند حدی از

سنت است (همان، ۱۲۶)، آمریکا کشوری یکسره فاقد سنت و بی تاریخ نیست بلکه کم تاریخ است و تفاوت میان این دو، چندان مهم نیست زیرا از جنس تفاوت‌های کمی است نه کیفی.

رذیلت، فضیلت را نابود می‌کند؛ ستم جمعی نیز فضایل جمعی (و درست‌تر، فضایل جمهوری‌تی) را از بین می‌برد، چه رسد به آنکه ستم، اندیشیده و ساختاری باشد. نابرابری و حتی نابرابری زیاد، طبیعی است اما وقتی حس مشترک آن رافاحش و زیاده‌تلقی کند، حتماً آن نابرابری بی‌عدالتی است. ریگانیزم، یک واقعیت صرف نبود، بلکه واقعیتی عمق‌گیرنده و گسترنده بود. نابرابری ساختاری فزاینده، به حقارت و آسیب به کرامت نفس انسان‌ها انجامید. در نتیجه، اراده کثرتی از آمریکاییان به آمریکایی بودن، هر زمان بیشتر تضعیف شد. در واقع تا زمانی که اقوام برساننده یک کشور، بخواهند باهم زندگی کنند، آن کشور (چه در ابتدا به وسیله قدرت انسجام دهنده گذشته ملی و چه سپس، در قالب یک کشور تاریخ‌دار) منسجم می‌ماند و ادامه حیات می‌دهد؛ اما اگر آن گروه‌های انسانی، دیگر نخواهند همزیستی اجتماعی سیاسی داشته باشند، واقعاً دیگر هیچ چیز نمی‌تواند، جلوی فروپاشی و از هم گسستن اجتماع را بگیرد. هر میزان از مشکلات اقتصادی و غیره نمی‌تواند، اجتماع سیاسی را

از هم بپاشد زیرا ارسطوواره، هیچ اجتماعی براساس متغیرهای مادی شکل نگرفته است که سپس، بخواهد با آن متغیرها نابود شود. آینده آمریکا (ملت تمدن)، به این پرسش وابسته است که چقدر این کشور، می‌تواند به فضایل بنیادگذار خود یعنی استمداد از دین برای تأسیس آزادی، تکوین فلسفه‌ای براساس تعهد به کار و تولید، خودمختاری‌های محلی که توکویل را به اعجاب واداشته بود (توکویل، ۹۳۸۹) و مساوات، متعهد بماند، به خصوص مساوات که خیلی مهم است. توکویل می‌گفت که اساس جامعه آمریکا، بر مساوات (برابری افراد در کنشگری اجتماعی) بنا نهاده شده است (توکویل، ۱۲)؛ مساوات پروژه بزرگ جامعه آمریکایی برای تحقق است (اما است یا بود؟) تقریباً تردیدی نیست که جامعه آمریکا، با بحران‌های دشوارتری مواجه می‌شود اما علت آن، بی تاریخی نیست بلکه اهانت سازمان یافته به آمریکایی معمولی عمدتاً سفیدپوست است؛ آمریکایی‌ای که تاکنون گمان می‌کرد، صاحب کشور است. پس مشکل آمریکا، اول اخلاقی است، سپس، اقتصادی که به ساختارها و پیرویه‌ها، نخبگان سیاسی و هر چیز دیگری مرتبط است. یک پرسش دیگر نیز وجود دارد که آیا نابرابری غیرعادلانه، ایجاد شده است یا احیاء؟ در جواب باید گفت که احیاء. ریشه نابرابری را

پدران بنیادگذار دولت آمریکا، بنیان گذاشتند که یا مستقیماً یهودی بودند یا غیرمستقیم؛ اما با این حال، نابرابری‌های حاد کنونی، تقدیری نبود که از آغاز تأسیس دولت آمریکا، شکل گرفته باشد. نابرابری‌ها با کمی اعتدال و انسان دوستی، قابل کنترل بودند. هرچند که تا مدت‌ها همین‌طور بود. در واقع، هم افراد و هم اجتماعات، باید با رذایل درون خود بجنگند تا ابعاد بیرونی نیابند؛ اما مشکل آن است که نفس یهودانه، مشکل انسان دوستی دارد؛ چه در فرقه او انجلیسم و پیوریتن خانه کند، چه در سرزمینی دیگر، در فرقه بهایی. یهودیت سیاسی از نظر تاریخی، ستم بر زمین و خلقت است.

کتاب‌شناسی:

آزنت، هانا (۱۳۶۲) انقلاب. ترجمه عزت‌الله فولادوند. شرکت انتشارات خوارزمی.
(۱۳۹۴) آخرین مصاحبه و دیگر گفتگوها. ترجمه هوشنگ جیرانی. گروه انتشاراتی ققنوس.
آرون، ریمون (۱۳۹۲) دموکراسی و خودکامگی، جامعه‌شناسی جامعه‌های صنعتی. ترجمه محمد مشایخی. شرکت سهامی انتشار. توکویل، آلكسى دو (۱۳۹۴) دموکراسی در آمریکا. جلد دوم. دفتر اول. ترجمه بزرگ نادر زاد. انتشارات فرهنگ جاوید.

جهاننگلو، رامین (۱۳۸۴) فلسفه سیاسی ریکور. (یک سخنرانی در خانه هنرمندان ایران. ۳/۲۱).
ریکور، پل (۱۳۷۳) پارادوکس‌های قدرت سیاسی، (یک سخنرانی در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. ۱۶ اسفند.
ریکور، پل (۱۳۸۳) زمان و روایت. ترجمه مهشید نونهالی. چاپ اول. ۳ جلد. نشر نی.
شوارتز، آنری برگسون. (۱۳۸۲) ترجمه خشایار دیهیمی. نشر ماهی.
هیدگر، مارتین (۱۳۸۹) مفهوم زمان و چند اثر دیگر. ترجمه علی عبداللهی. چاپ چهارم. نشر مرکز. هگل، گ. و. (۱۳۵۶) عقل در تاریخ. ترجمه حمید عنایت. مؤسسه انتشارات دانشگاه شریف (آریامهر سابق).

یاسپرس، کارل (۱۳۷۲) کانت. ترجمه عبدالحسین نقیب‌زاده. کتابخانه طهوری.

هیدگر، مارتین (۱۳۸۹) مفهوم زمان و چند اثر دیگر. ترجمه علی عبداللهی. چاپ چهارم. نشر مرکز. هگل، گ. و. (۱۳۵۶) عقل در تاریخ. ترجمه حمید عنایت. مؤسسه انتشارات دانشگاه شریف (آریامهر سابق).

یاسپرس، کارل (۱۳۷۲) کانت. ترجمه عبدالحسین نقیب‌زاده. کتابخانه طهوری.